

درس خارج فقه حضرت آیت الله هاشمی شاهرودی - جلسه ۱۹۱ - شنبه ۱۳۹۵/۱۰/۴

بسم الله الرحمن الرحيم

(مسألة ۸۰ لا يشترط وجود المحرم في حج المرأة إذا كانت مأمونة على نفسها و بضعها كما دلت عليه جملة من الأخبار و لا فرق بين كونها ذات بعل أو لا).^(۱)

مرحوم سید (رحمه الله) در این مسئله متعرض این بحث می شود که آیا لازم است محرمی در کنار زن باشد تا به حج برود و حج بر او واجب شود یا نه این مسئله تعریضی است به اهل سنت که برخی از آنها وجود محرم را شرط می دانند و گفتیم که جهاتی دارد .

جهت اول در اصل عدم اشتراط بود که هم مقتضای اطلاقات ادله است و هم روایات خاصه وارد شده است که در یکی دو روایت قیدی هم آمده بود که فرموده بود (اذا كانت مأمونة و لم تقدر على محرم) که گفتیم این تقییدی برای اطلاق نیست و بقرینه سایر روایات و سیاق خود این دو روایت وجود محرم در صورت قدرت بر آن هم شرط نیست .

شاید اصل این حکم هم مسلم و ضروری و مورد اجماع و عمل متشرعه شیعه است که بودن محرم شرط نیست بلکه مأمون بودن و عدم خطری برای زن شرط است و این هم شرط جدیدی در رابطه با وجوب حج بر زن نیست بلکه محقق همان شرط تخلیه السرب است که برای همه است و همان شرط عام است که در زن کیفیت آن عنایت بیشتری پیدا می کند زیرا که در معرض خطر بودن وی بیشتر از مرد است بنابراین اساساً در این مسأله شرط اضافی برای وجوب حج بر زن غیر از همان شرایط عام استطاعت مالی و بدنی و سرب نیست و تعابیری که در روایت آمده است که (المومن محرم المومنه) یا (اذا كانوا ثقات) و غیره شاهد بر همین مطلب است که مقصود شرط تخلیه السرب و نبودن در معرض خطر است که در مرد هم شرط است ولیکن در مرد راحتتر است و معمولاً حاصل است ولی زن به جهت ضعیف بودنش بیشتر در معرض خطر است فلذا باید سفر حجش برایش مأمون باشد در نتیجه از این جهت شرطیت اضافی در وجوب حج بر زن استفاده نمی کنیم و این بحث در جهت اول بود.

۱. العروة الوثقی، (للسید الیزدی)، ج ۲، ص ۶۷.

جهت دیگری که گذشت این است که آیا فرقی نیست بین این که زن ذات البعل باشد یا خیر که اگر متزوجه باشد مثلاً، در این صورت وجود محرم شرط باشد که گفته شد باز هم شرط نیست و مقتضای اطلاق ادله اولیه عدم فرق است و در برخی از روایات خاصه هم فرض وجود زوج آمده بود که اگر زن محرم زوج هم داشته باشد باز هم واجب است به حج برود حتی اگر زوجش با او سفر نکند مانند صحیحه دوم معاویه بن عمار که در آن آمده بود .

(وَعَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) عَنِ الْمَرْأَةِ تَحُجُّ بِغَيْرِ وِلِيِّ قَالَ لَا بَأْسَ وَإِنْ كَانَ لَهَا زَوْجٌ أَوْ أَخٌ أَوْ ابْنٌ أَوْ أَبٌ أَنْ يَحُجُّوا بِهَا وَ لَيْسَ لَهُمْ سَعَةٌ فَلَا يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تَقْعُدَ وَلَا يَنْبَغِي لَهُمْ أَنْ يَمْنَعُوهَا الْحَدِيثَ).^(۲)

جهت سوم : می فرماید **(و مع عدم أمنها يجب عليها استصحاب المحرم و لو بالأجرة مع تمكنا منها و مع عدمه لا تكون مستطیعة)** یعنی اینکه اگر طریق و حج برای زن امن نبود و زن در معرض خطر بود ولی زن می توانست محرمی را اجیر کند باید اجیر کند و می فرماید **(يجب عليها استصحاب المحرم)** و علت وجوب آن روشن است چون وقتی مال الاجره دارد پس مستطیع است و بر تخلیه السرب هم تمکن دارد چون دارای مال است و می تواند برای آن خرج کند و این مانند سایر از مقدمات حج است که باید در طریق امثال آن بذل مال کند مانند هزینه مکاری و مطوف و غیره .

البته ایشان تعبیر به **(استصحاب المحرم)** کرده است که محرم خصوصیت ندارد و عرض کردیم میزان وجود محرم نیست بلکه میزان همان امن بودن و مخلی السرب و سلامت بودن است حتی اگر اجیر مؤمن محرمش هم نبود و زن می تواند کسی را اجیر کند که او را از خطرات حفاظت کند و اجب است وی را اجیر کند پس تعبیر به اجیر کردن خصوص محرم مسامحه است اما اگر قدرت مالی نداشت و کسی هم نبود که بدون اجرت حاضر شود با او به حج بیاید و خطر را تامین کند در این صورت می فرماید که مستطیع نبوده و حج بر او واجب نخواهد شد زیرا که هر چند استطاعت مالی دارد لیکن

استطاعت تخلیه السربی و استطاعت کامل انجام حج را ندارد فلذا این زن مستطیع نیست و وجوب حج از او ساقط است.

جهت چهارم: می فرماید: **(و هل يجب علیها التزویج تحصیلا للمحرم و جهان)** اگر این زن که قادر بر اجیر کردن محافظ و مؤمن نیست بتواند با کسی ازدواج کند و با زوجش در امان به حج برود یا زوج آن را برایش تأمین کند آیا برای تحصیل محرم از طریق عقد نکاح واجب می شود یا خیر می فرماید در این جا دو احتمال و وجه وجود دارد و هیچکدام را انتخاب نمی کند و مردد رد می شوند گفته شده است که این جا تزویج واجب نیست برخی در اینجا حاشیه زده اند که الاقوی عدم الوجوب و تعلیل شده است که چون این اقدام، تحصیل استطاعت است که در مباحث گذشته گفته شد تحصیل استطاعت واجب نیست بلکه اگر مستطیع شد حج بر او واجب می شود یعنی فعلیت استطاعت شرط و موضوع است پس هرچند که قادر بر ایجاد استطاعت باشد ولی ایجاد موضوع واجب نیست.

در مقابل گفته شده است که این تحصیل استطاعت نیست بلکه این از قبیل تهیه مقدمات تحقق آن واجب و امثال است زیرا که فرض بر این است که این زن مالک زاد و راحله هست و قادر بر تزویج و تحصیل مأمونیت هم می باشد پس استطاعت فعلی و حاصل است و این مثل جایی است که هزینه و اجرت اجیر کردن محرم و یا محافظ را داشته باشد که در این صورت گفته شد واجب است که آن را هزینه کند و این کار مانند سایر هزینه های حج است .

حاصل این که چطور در صورت قدرت بر اجیر کردن نمی گوئید تحصیل استطاعت است و می گوئید اجیر کردن واجب ولی در این جا قائل نیستید به وجوب تزویج؟ و چه فرقی است بین عقد اجاره و عقد نکاح ، در صورت امکان هر دو و توقف مأمونیت بر آن بنا بر این ، این تحصیل استطاعت نیست بلکه استطاعت به تمام وجوهش (مالی و سربی) حاصل است و مثل اجرت دادن انجام سایر مقدمات واجب است و از مقدمات وجوب نیست لهذا برخی دیگر از اعلام حاشیه زده و گفته اند که تزویج بر او واجب است مگر این که موجب عسر و حرجی بر او باشد فلذا این جا هم واجب است اگر با تزویج مأمونیت حاصل می کند

اقدام نماید مگر این که عسر و حرج باشد که رافع وجوب حج می گردد.

البته در این جا نکته ای هست که باید متذکر آن شویم و بعید نیست که مرحوم سید(رحمه الله)ناظر به این نکته باشد که در فتوی متوقف شده است و آن نکته این است که ادعا شود ادله شرطیت استطاعت چه مالی و چه تخلیه السرب باید بر معنای متعارف حمل شود چه استطاعتی که در آیه شریفه آمده و چه آنچه در روایات ذکر شده همگی باید بر استطاعت متعارف و عقلائی حمل شود به این معنا که مقصود وجود استطاعت با حفظ شئون و وضعیت فعلی مکلفین است به جز از نظر هزینه کردن اموال در تحقق امثال که به طور طبیعی سفر و عمل حج متحمل آن هزینه ها می باشد اما جایی که زن با این اقدام زندگیش عوض شود و اگر ذات بعل شود و شئونش تغییر کند این استطاعت عرفی و متعارف نیست یا به تعبیر دیگر تخلیه السرب بر او صدق نمی کند و این قبیل قدرتهای عقلی به حسب متفاهم عرفی استطاعت متعارف نیست و ادله شرطیت استطاعت این گونه مورد را در برنمی گیرد و این موارد غیر مستطیع عرفی و یا عدم استطاعت محسوب می شود و تزویج مثل صرف هزینه های مادی محسوب نمی شود و این مانند آن است که گفته شود اگر بتواند خودش مریض کند تا اجازه رفتن به او داده شود و با تغییر جنسیت کند - در صورت امکان - واجب باشد تغییر جنسیت دهد تا تخلیه السرب برایش فعلی شود که قطعاً چنین امری واجب نمی شود مخصوصاً بنابر مبنای مرحوم سید(رحمه الله) که لازم است استطاعت سربی هم مانند استطاعت مالی فعلیت داشته باشد البته برخی موارد از محرمیت مثل ایجاد محرمیت با دختر صغیری که او را به مدت یکی دو ساعت به عقد موقت دیگری در می آورد که اثرش فقط محرمیت است استطاعت فعلی است و در صورت تمکن واجب می شود و عمل متشرعه نیز در انی قبیل موارد بر لزوم است و در این گونه محرمیتها استطاعت و تخلیه السرب صادق است و متعارف است .

بنابراین تنها رافع وجوب عسر و حرج نیست بلکه اوسع از آن است زیرا که در برخی موارد قطعاً تخلیه السرب و استطاعت عرفی و متعارف

صادق نیست و تحصیل استطاعت عرفی است که واجب نیست و ادله شرطیت استطاعت شامل آن نمی شود و از آن منصرف است .